

عبداله عبدالله جرگه مشورتی صلح را تحریم کرد

دسته انتخاباتی ثبات و همگرایی، به رهبری عبدالله عبدالله، رییس اجراییه حکومت، با نشر خبرنامه ای می‌گوید که این دسته انتخاباتی در نشست زیر نام «جرگه مشورتی صلح» اشتراک نخواهند کرد.

در خبرنامه این دسته انتخاباتی آمده است؛ از چندی به این‌طرف برای برگزاری این نشست تصمیم گرفته شده و با موظف ساختن تعدادی، بخش‌هایی از مراحل تطبیقی آن نیز پیشرفته است، اما تیم ثبات و همگرایی، نه در سطح احزاب و شخصیت‌های شامل این تیم و نه در سطح حکومت، تا این مرحله طرف مشورت برای برگزاری چنین نشستی نبوده است و در عین حال، دلایل قانع کننده برای این نشست را نیز این دسته انتخاباتی سراغ ندارد.

اعلامیه افزوده است: «تیم ثبات و همگرایی به رهبری داکتر عبدالله عبدالله اعلام می‌نماید که در نشست زیر نام «جرگه مشورتی صلح» اشتراک نخواهد کرد و این نشست را ممد به حل مشکلات موجود در افغانستان نمی‌داند.»

این در حالیست که برگزارکنندگان جرگه مشورتی صلح از این پیش اعلام کرده بودند که این نشست با اشتراک بیش از چهارهزار نفر از سراسر کشور به تاریخ نهم ثور برای سه روز در کابل برگزار خواهد شد و در صورت نیاز برای به نتیجه رسیدن بحث‌ها تا پنج روز نیز ادامه خواهد یافت.

حکومت می‌گوید که در این نشست، خط‌سرهای گفت‌وگوها با طالبان مشخص خواهند شد.

سیگار: برنامه‌های مشترک ما در امر مبارزه با مواد مخدر ناکام بوده است

نیم نگاهی به کودتا در سودان

به نظر می‌رسد مدل مصر از احتمال زیادی برای اجرا در سودان برخوردار است. طبق این مدل ابتدا ارتش با معترضان همراه و همگام شد و سپس بتدریج پایه‌های قدرت خود را تثبیت کرد و ضمن اینکه در داخل به سرکوب انقلابیون بخصوص اسلام‌گراهای وابسته به اخوان المسلمین پرداخت در خارج نیز با طرح‌هایی همچون معامله قرن همراهی نشان داد که راستگرایان حاکم بر تل آویو و واشنگتن به رهبری نتانیاهو و ترامپ و همچنین برخی رژیم‌های ثروتمند عربی از معماران و مجریان آن به شمار می‌روند...

ادامه در صفحه ۲



اختلاف در

«شورای عالی مصالحه»

و سر نوشت نامعلوم

مذاکرات صلح با طالبان

صفحه ۲

واکنش کمیسیون حقوق بشر

به عدم بررسی جنایات جنگی در افغانستان

بکشد نیاز است تا دادگاه لاهه مسئولیت خود را در راستای این اهم انجام دهد تا عدالت تامین شود، فرهنگ معافیت خاتمه یابد و پاسخگویی در این کشور نهادینه شود.

این در حالی است که دولت افغانستان اساسنامه دادگاه لاهه را پذیرفته است اما فعالیت‌های دادگاه بین‌المللی لاهه برای بررسی جنایات جنگی و نقض حقوق بشری در افغانستان به دلیل تهدیدات مقامات امریکایی متوقف شده است.

«تیم نظری» رئیس شبکه جمعه مدنی افغانستان به «جمهور» گفته است: در افغانستان جنایات‌های جنگی و نقض حقوق بشری بسیاری صورت گرفته اما رسیدگی به چنین مسائلی نیازمند حضور دادگاه بین‌المللی جرایم در این کشور است. وی افزود: از یک سو دولت افغانستان اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (لاهی) را پذیرفته و نسبت به آن تعهد دارد و از سوی دیگر نیز دادگاه لاهه توانایی و ظرفیت برای رسیدگی به جرایم جنگی صورت گرفته در این کشور را ندارد. در پی افزایش شکایت‌ها از جنایات جنگی در سال‌های گذشته دادگاه بین‌المللی لاهه تصمیم گرفت تا این موضوع را بررسی کند و در نتیجه هزاران شکایت در این دادگاه به ثبت رسید.

این در حالی است که دادگاه لاهه برای عدم بررسی این جنایات تسلیم تهدیدات امریکا شده است.

این موضوع واکنش شماری از نهادهای حامی حقوق بشری از جمله سازمان عفو بین‌الملل را نیز برانگیخته است.

«بیراج پانتیک» مسئول بخش جنوب آسیا در سازمان عفو بین‌الملل اظهار داشت: افغانستان در یک و نیم دهه گذشته شاهد جنایات‌های فجیعی بوده است و تصمیم دادگاه لاهه

مبنی بر عدم بررسی جنایات جنگی در این کشور برای قربانیان یک موضوع تکان دهنده است.

وی افزود: عدم بررسی جنایات جنگی در افغانستان از سوی دادگاه بین‌المللی لاهه اعتبار این دادگاه را بیش از گذشته زیر سوال خواهد برد و موجب تضعیف اعتبار آن خواهد شد.

کمیسیون حقوق بشر افغانستان ضمن ابراز تاسف از تصمیم دادگاه لاهه تاکید کرده است که رد درخواست تحقیقات برای بررسی جنایات جنگی در افغانستان قربانیان را مایوس کرده و به نهادینه شدن فرهنگ معافیت کمک خواهد کرد. سازمان عفو بین‌الملل نیز از عقب نشینی دادگاه لاهه انتقاد کرده است.

در حالی که تلاش‌های دادگاه لاهه برای بررسی کشتار غیرنظامیان افغانستانی توسط نظامیان امریکا امیدواری‌هایی را برای قربانیان جنگ در افغانستان ایجاد کرده بود؛ اما دادگاه بین‌المللی لاهه نیز به دلیل تهدیدات امریکا تصمیم خود برای بررسی اتهامات جنایات جنگی در افغانستان را پس گرفته و تحقیقات در این زمینه را متوقف کرده است.

اخیرا دادگاه لاهه درخواست برای رسیدگی به جنایات جنگی در افغانستان را رد کرده که این موضوع واکنش نهادهای حامی حقوق بشری در کشور را نیز برانگیخته است.

کمیسیون حقوق بشر افغانستان ضمن ابراز تاسف از تصمیم دادگاه لاهه تاکید کرده است که رد درخواست تحقیقات برای بررسی جنایات جنگی در افغانستان قربانیان را مایوس کرده و به نهادینه شدن فرهنگ معافیت کمک خواهد کرد.

«سیماسمر» رئیس کمیسیون حقوق بشر افغانستان به لزوم ادامه تلاش‌ها برای تامین عدالت در حق قربانیان و پاسخگویی برای جنایات جنگی و نقض حقوق بشری در کشور تاکید کرد.

در این بیانیه به هزاران شکایت و مدارک جمع آوری شده از سوی خانواده‌های قربانیان در افغانستان نیز اشاره شده که برای دادخواهی در دادگاه بین‌المللی لاهه رسیده است.

کمیسیون حقوق بشر افغانستان تصریح کرد، از آنجایی که نهادهای قضایی افغانستان نتوانسته و یا نخواسته‌اند که عاملان جنایات جنگی و نقض حقوق بشری را به محاکمه

صدیق‌اله توحیدی:

برخی از اراکین حکومت با آزادی‌های

سیاسی و مدنی مردم موافق نیستند

مسئول کمیته مصونیت خبرنگاران افغانستان گفت که برخی از اراکین حکومت با آزادی‌های سیاسی و مدنی مردم موافق نیستند و با محدود کردن آزادی‌های مردم، می‌خواهند جلوی راهپیمایی‌ها و اعتراضات شان در برابر حکومت را بگیرند.

«صدیق‌اله توحیدی»، مسئول کمیته مصونیت خبرنگاران افغانستان در گفت‌وگو با رسانه‌ها گفت آنچه وزیر مخابرات در پیوند با محدودسازی فیسبوک گفته‌است، تصمیم قانونی نه، بلکه تصمیمی استبدادی و سانسورگرایانه است.

شهزاد گل آریویی، وزیر مخابرات روز شنبه در یک نشست خبری در کابل گفت که حکومت افغانستان از مجراهای دیپلماتیک پیشنهادهای خود را به شرکت فیسبوک فرستاده‌است و در صورت پذیرفته نشدن، تا شش ماه آینده فیسبوک را در افغانستان فیلتر خواهد شد.

مسئول کمیته مصونیت خبرنگاران افغانستان می‌گوید که گروه‌های تروریستی در سراسر جهان از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند، اما این دلایلی بر بستن و محدود کردن شبکه‌های اجتماعی بوده نمی‌تواند.

به گفته توحیدی: مسئولان فیسبوک در بسیاری موارد خواست‌های حکومت امریکا را نپذیرفته‌است و «مطمیناً» خواست‌های حکومت افغانستان را نیز نخواهد پذیرفت.

صدیق‌اله توحیدی بیان می‌دارد که برخی از اراکین حکومت با آزادی‌های سیاسی و مدنی مردم موافق نیستند و با محدود کردن آزادی‌های مردم، می‌خواهند جلوی راهپیمایی‌ها و اعتراضات شان در برابر حکومت را بگیرند.

وی می‌گوید که قانون اساسی آزادی‌های شهروندی و مدنی مردم را به رسمیت شناخته‌است و کسی نمی‌تواند زیر هیچ عنوانی آن را محدود و ممنون کند.

محمود صیقل به دلیل

«رفتارهای غیر مسلکی در

وزارت خارجه» از ادامه‌ی کار

با این وزارت خودداری کرد

محمود صیقل، نماینده‌ی دائم پیشین افغانستان در سازمان ملل متحد از ادامه‌ی کار در وزارت خارجه استعفا کرد.

در متن استعفانامه‌ی آقای صیقل آمده است که نابسامانی‌های سیاست داخلی و حکومت‌داری بالای سیاست خارجی و دستگاه دیپلوماسی تأثیر ناگواری گذاشته اما از شش ماه به این طرف به درخواست او برای رفع این نابسامانی‌ها پاسخی داده نشده است.

او همچنان گفته است که در ماه میزبان سال گذشته‌ی خورشیدی نامه‌ای را از نیویارک عنوانی رییس‌جمهور اشرف غنی و عبدالله عبدالله، رییس اجرایی کشور فرستاده تا به این امر توجه شود، اما اکنون که بیش از شش ماه از آن گذشته، هنوز هم پاسخی دریافت نکرده است.

در متن استعفانامه‌ی آقای صیقل آمده است: «آرزو داشتم و تلاش کردم که در کابل نیز با بهبودی سیاست داخلی و دولت‌داری، یک دیدگاه روشن و مشترک افغانی شکل گرفته و در پرتو آن یک دیپلوماسی پیش‌گیرانه و فعال ابتکار صلح و جنگ را در اختیار کشور ما قرار دهد ولی با تأسف که بنا بر مجموعی از دلایل مختلف این امر تحقق نیافت.»

او در ادامه تأکید کرده است که روز به روز دستگاه دیپلوماسی کشور دست‌خوش حرکت‌های واکنشی، انفعالی، سلیقه‌ای، پاشان، نامتعارف و غیرمسلکی قرار گرفت.

نماینده‌ی پیشین افغانستان در سازمان ملل متحد افزوده است که الی فراهم شدن زمینه برای اصلاحات واقعی در دستگاه دیپلوماسی کشور، نمی‌تواند به همکاری‌اش با وزارت خارجه ادامه دهد.

محمود صیقل مدت چهار سال به عنوان نماینده‌ی دائم افغانستان در سازمان ملل متحد کار کرد و به تاریخ دهم جدی سال گذشته عاقله راز، معاون پیشین وزارت خارجه به‌جای او به این سمت منصوب شد.

اختلاف در «شورای عالی مصالحه»

و سرنوشت نامعلوم مذاکرات صلح با طالبان



سومین نشست شورای عالی مصالحه افغانستان بدلیل اختلاف نظرهای دولت با شرکت کنندگان در حالی به تویق افتاد که تا ۵ روز آینده باید تیم مذاکره کننده صلح دولت برای اعزام به قطر تعیین شود.

در حالی که تا پنج روز آینده دولت افغانستان باید تیم مذاکره کننده صلح دولت با رهبران سیاسی طالبان را تعیین کند اما اختلافات بر سر گزینش این تیم افزایش یافته است.

یک منبع به «تلویزیون یک» گفته که قرار بود روز شنبه سومین نشست شورای عالی مصالحه افغانستان به منظور گزینش اعضای تیم مذاکره کننده صلح برگزار شود اما به دلیل اختلافات این نشست برگزار نشد و آغاز به کار کمیته‌های کاری شورای عالی مصالحه افغانستان به دلیل تشدید اختلافات به تویق افتاده است.

در سومین نشست این شورا قرار بود فهرست تیم مذاکره کننده صلح افغانستان و هیئت دولت برای شرکت در نشست احزاب سیاسی با طالبان را تدوین کنند که رهبران احزاب سیاسی کشور به

دلیل اختلاف نظر با رهبری دولت افغانستان از شرکت در این نشست خودداری کردند.

در روزهای گذشته بر اساس گزارش‌های تأیید نشده‌ای، دولت افغانستان تلاش دارد تا «امراه صالح» رئیس سابق امنیت ملی افغانستان و عضو تیم انتخاباتی اشرف غنی که از چهره‌های ضد طالبانی است را نیز در هیئت مذاکره کننده دولت با طالبان تعیین کند.

یک منبع به شبکه «کابل نیوز» نیز گفته که دولت افغانستان در نظر دارد تا در فهرست تیم مذاکره کننده چهره‌های ضد طالبانی را شامل کند و چارچوبی نیز برای اعمال نظارت توسط اشرف غنی بر این تیم تعیین کند که این موضوع مخالفت صریح احزاب سیاسی را در پی داشته است.

از سوی دیگر، رهبران احزاب سیاسی افغانستان تأکید می‌کنند که باید تیم مذاکره کننده صلح افغانستان از افراد صلح طلب تشکیل شده و تنها به مقامات حکومتی و فهرست ارائه شده از سوی ارگ ریاست جمهوری محدود نشود.

گزارش‌هایی نیز وجود دارد که «حامد کرزی» رئیس جمهور سابق افغانستان نیز با شیوه دولت برای گزینش اعضای تیم مذاکره کننده به شدت مخالفت کرده است.

چند روز پیش «انوار الحق احدی» رهبر جبهه نوین ملی افغانستان، «عبداله عبدالله» رئیس اجرایی دولت، «یونس قانونی» عضو ارشد حزب جمعیت و از اعضای تیم انتخاباتی «صلح و اعتدال»، «محمد محقق» رهبر حزب وحدت مردم، «فضل محمد ابراهیمی»، «حاجی دین محمد» معاون شورای عالی صلح و «فضل هادی مسلمیار» رئیس سنای افغانستان با مقامات دولتی در کاخ سپیدار نشستی را برگزار کردند.

آنها درباره تعیین اعضای تیم مذاکره کننده صلح و ترکیب شورای عالی مصالحه گفت‌وگو کردند اما این گفت‌وگوها به نتیجه نرسیده و حامد کرزی با تعیین چهره‌های ضدطالبانی در تیم مذاکره کننده مخالفت کرده است.

احزاب سیاسی در این نشست «حامدگیلانی» رهبر حزب محاذ ملی افغانستان و «ذبیح اله مجددی» رهبر جبهه نجات ملی را به عنوان نمایندگان احزاب در تیم مذاکره کننده صلح با طالبان معرفی کردند در مقابل دولت افغانستان نیز خواستار معرفی ۵ نماینده دولتی در ازای هر یک نماینده از احزاب سیاسی افغانستان است.

ظاهراً اختلافات همچنان بین رهبران احزاب سیاسی و دولت افغانستان بر سر گزینش اعضای تیم مذاکره کننده صلح با طالبان و حتی درباره ترکیب شورای عالی مصالحه نیز همچنان به قوت خود باقی مانده است.

قرار است دو تیم مذاکره کننده از سوی دولت افغانستان و احزاب سیاسی تعیین شوند یک تیم برای شرکت در دور دوم مذاکره احزاب سیاسی با طالبان و یک تیم فراگیر و مشترک نیز برای آغاز رسمی مذاکرات بین‌الافغانی صلح با طالبان تشکیل شود.

گمانه‌زنی‌هایی نیز وجود دارد که به دلیل تشدید اختلافات احزاب سیاسی و دولت افغانستان تیم‌های مذاکره کننده جداگانه را به دور دوم مذاکرات احزاب سیاسی با طالبان در قطر اعزام کنند.

شماری از رهبران احزاب سیاسی افغانستان هشدار دادند که اگر شورای عالی مصالحه نتواند اعضای تیم مذاکره کننده در نشست احزاب سیاسی با طالبان را تعیین کند آنها نیز بدون هماهنگی در

این نشست حضور خواهند یافت.

«احمداله علیزی» رئیس حزب اساس افغانستان و «وحیدمژده» کارشناس سیاسی تصریح کردند که در صورت ادامه اختلافات آنها بار دیگر به صورت انفرادی در نشست احزاب سیاسی با طالبان در قطر شرکت خواهند کرد.

به نقل از تسنیم، «عمر داودزی» رئیس دبیرخانه شورای عالی صلح افغانستان در واکنش به این موضوع وجود اختلافات در شورای عالی مصالحه درباره تعیین تیم مذاکره کننده صلح با طالبان را تکذیب کرده است.

از سوی دیگر، طالبان نیز در اوج تلاش‌های صلح در افغانستان از آغاز عملیات بهاری جدید موسوم به «الفتح» خبر داده و به صورت همزمان به ۱۳ ولایت حمله کرده است.

کارشناسان معتقدند که آغاز عملیات بهاری از سوی طالبان نشان می‌دهد که تمایل چندانی به ادامه مذاکرات صلح ندارد و از همین رو نیز عملیات جدیدی را روی دست گرفته است.

به دلیل اختلافات بر سر تعیین تیم مذاکره کننده صلح در افغانستان، سرنوشت دور ششم مذاکرات امریکا با طالبان نیز با ابهام روبرو شده است زیرا نخست باید مذاکرات احزاب سیاسی با طالبان برگزار شود اما دولت افغانستان و احزاب سیاسی درباره تعیین تیم مذاکره کننده مشترک نتوانسته‌اند به توافق برسند.

سیگار: برنامه‌های مشترک ما در امر مبارزه با مواد مخدر

ناکام بوده است

اداره بازرس ویژه امریکا برای بازسازی افغانستان، به تازگی از افزایش کشت کوکنار در افغانستان ابراز نگرانی کرده و گفته است که برنامه‌های مشترک دولت امریکا و حکومت افغانستان در زمینه کاهش کشت کوکنار موثر نبوده است.

جان سوپکو بازرس ویژه امریکا در امور بازسازی افغانستان در جلسه کمیته امنیت ملی کانگرس امریکا گفته است که برنامه‌های محو مزارع کوکنار هیچ گونه کاهشی در زمینه کشت کوکنار و میزان تولید تریاک به وجود نیاورده است.

جان سوپکو بیان داشته: "اگر واقعیت بگویم، هیچ یک از برنامه‌های ما در بخش مبارزه علیه مواد مخدر در افغانستان مؤثر نبوده است. در ده سالی که ما برنامه‌های محو مزارع کوکنار را به پیش بردیم، توانستیم تنها پنج درصد کوکنار کشت شده در افغانستان را محو کنیم."

او همچنان به اعضای کانگرس امریکا گفته است که از آغاز برنامه مبارزه علیه مواد مخدر در افغانستان، ۹ میلیارد دالر در زمینه تطبیق این برنامه‌ها به مصرف رسیده است.

در همین حال، شماری از کارشناسان مبارزه با مواد مخدر می‌گویند، کشت کوکنار در افغانستان از ۱۳۰ هزار هکتار زمین به ۳۰۸ هزار هکتار زمین رسیده است که این امر، افزایش چند درصدی کشت کوکنار در افغانستان را نشان می‌دهد.

سیدمهدی کاظمی کارشناس مبارزه با مواد مخدر در مصاحبه به خبرگزاری جمهور گفت: "افزایش کشت کوکنار بیان‌گر این موضوع است که برنامه‌های دولت موفق نبوده است. ده سال قبل، در ده ولایت افغانستان کوکنار کشت می‌شد اما در سال‌های اخیر به ۲۰ ولایت کشت صورت می‌گیرد، به این معنی که ده ولایت افغانستان به کشت کوکنار روی آورده است."

آقای کاظمی افزود که معیشت بدیل برای ده‌ها قبیله یکی از برنامه‌های دولت بود که به گونه مشترک با کشورهای همسایه روی دست گرفته شد اما تطبیق این برنامه موثریت لازم را به وجود نیاورد. او همچنان علاوه کرد: "بحث این است که ده‌ها قبیله کوکنار کشت می‌کنند و قاچاق‌بران پول تریاک را سه الی چهار سال قبل به ده‌ها قبیله پرداخت می‌کنند."

او از سرمایه‌گذاری قاچاق‌بران مواد مخدر بالای ده‌ها قبیله افغانستان سخن گفت که مافیای مواد مخدر با پرداخت پول چهار سال قبل، ده‌ها قبیله از آنها بدهکار می‌شوند و این امر باعث می‌شود که آنها (ده‌ها قبیله) همه ساله کوکنار کشت کنند و تمامی خرید و فروش تریاک، بالای زمین‌های ده‌ها قبیله انجام می‌شود.

قبل از تشکیل حکومت وحدت ملی، قطعه ۲۵۰ نفری از نیروهای پلیس در چارچوب معینیت مبارزه با مواد مخدر فقط در راستای محو کشت کوکنار فعالیت می‌نمود و ساحاتی که کشت صورت می‌گرفت، عملیات‌های گسترده‌ای برای تخریب مزارع کوکنار انجام می‌دادند اما با روی کار آمدن حکومت وحدت ملی، این قطعه با تمام تجهیزات آن لغو و به وزارت امور داخله مدغم شده است.

هرچند، مبارزه با مواد مخدر یکی از برنامه‌های وزارت امور داخله است اما براساس اظهارات کارشناسان مبارزه با مواد مخدر، در حال حاضر محو کشت کنار در اولویت برنامه‌های دولت قرار ندارد.

درگیری‌ها میان "جلیقه زردها" و پلیس فرانسه

در بیست‌ودومین هفته اعتراضات

معترضان "جلیقه زرد" در حالی دست به اعتراض زدند و با پلیس ضد شورش در شهر تولوز، درگیر شدند که رئیس جمهوری این کشور قرار است یکسری سیاست‌ها را با هدف رویارویی با ۲۲ هفته متوالی اعتراضات ارائه کند.

به نقل از خبرگزاری رویترز، پلیس در تولوز جنوب شرق فرانسه اقدام به شلیک گاز اشک آور و دستگیری ۲۳ تن پس از آن کرد که صدها تن از "جلیقه زرد" اقدام به پرتاب اشیاء و آتش زدن چند خودرو، موتورسیکلت، کانکس و سطل‌های زباله کردند. معترضان همچنین تلاش کردند تا به مناطقی که پیش از آن ورودشان به آنها ممنوع شده بود، وارد شوند. بین پنج تا شش معترض در خیابان وسیع "آله ژان ژور" در مرکز شهر تجمع کردند.

گروه‌های فعال و ضد دولتی فرانسه در شبکه‌های اجتماعی اعلام کردند که شهر تولوز، محل برگزاری بیست و دومین شنبه اعتراضی است و باعث شدند تا شهردار این شهر مراتب نگرانی خود بابت این تجمع اعلام کند.

همچنین اعتراضات در پاریس و مناطق دیگر فرانسه به صورت صلح آمیز برگزار شد، اگر چه پلیس ۲۷ تن را در پایتخت فرانسه دستگیر کرد و درگیری‌هایی هم در نزدیکی‌های بندر مarseی به وقوع پیوست.

در همین حال وزیر کشور فرانسه تخمین زد که در مجموع ۳۱ هزار معترض در سراسر فرانسه حضور داشتند که ۷۰۰۰ نفر بیشتر از اعتراضات شنبه گذشته بوده است.

این اعتراضات با هدف اعمال فشار بر امانوئل ماکرون، رئیس جمهوری فرانسه صورت گرفته و ادامه دارد که وعده داده یکسری اقدامات را با هدف کاهش ناآرامی و درگیری‌ها در کشور اعلام کند.

نیم نگاهی به کودتا در سودان

ادامه سرمقاله

به نظر می‌رسد تحولات انتقال قدرت در سودان شبیه مدل انتقال قدرت در مصر است و چه بسا بازیگران آشوب ساز محور غربی، صهیونیستی و عربی برای بهره برداری از چنین تحولاتی، در آن ایفای نقش می‌کنند.

از زمانی که پروژه موسوم به بهار عربی اسنارت خورد کشورهای عربی که در معرض این پروژه قرار گرفته اند شیوه های مختلفی را در برابر موج اعتراضات بکارگرفته اند که هر یک آثار و تبعات مختلفی به همراه داشته است.

هریک از شیوه های اتخاذ شده مدل ها و الگوهایی را رقم زده که در یک طیف آن تونس قرار دارد که شاید بتوان از آن به عنوان الگویی یاد کرد که در مقایسه با سایر کشورهای بحران زده از موفقیت نسبی در مدیریت روند انتقالی برخوردار بوده اما درست در نقطه مقابل آن کشورهایی مانند لیبی، یمن و سوریه قرار دارند که هر یک به دلایل مختلف وارد جنگ داخلی شدند و در میان بین این دو مدل مصر قرار دارد شاید بتوان از آن به الگوی بینابینی یاد کرد.

حال که سودان بعد از آغاز موج دوم پروژه موسوم به بهار عربی در شمال افریقا دستخوش انتقال قدرت شده شاید اولین سوال این باشد که چه چشم اندازی را می توان برای این کشور تصور کرد و کدامیک از الگوها و مدل های تجربه شده از بیشترین احتمال برخوردارند؟

در پاسخ به نظر می‌رسد مدل مصر از احتمال زیادی برای اجرا در سودان برخوردار است. طبق این مدل ابتدا ارتش با معترضان همراه و همگام شد و سپس بتدریج پایه های قدرت خود را تثبیت کرد و ضمن اینکه در داخل به سرکوب انقلابیون بخصوص اسلام گراهای وابسته به اخوان المسلمین پرداخت در خارج نیز با طرح هایی همچون معامله قرن همراهی نشان داد که راستگرایان حاکم بر تل آویو و واشنگتن به رهبری نتانیاها و ترامپ و همچنین برخی رژیم های ثروتمند عربی از معماران و مجریان آن به شمار می‌روند.

بر این اساس به نظرمی‌رسد هر یک از این بازیگران آشوب ساز نیز سهم و نقشی در کودتای جاری سودان داشته باشند کما اینکه دست و نقش عربستان و امارات در جریان تحركات اخیر جنرال حفتر برای تصرف طرابلس کاملاً آشکار و محرز بوده و در عین حال این احتمال جدی وجود دارد که به تدریج دست و نقش این ائتلاف در تحولات الجزایر نیز آشکار شود.

آنچه در این میان قابل تامل است اینکه اعتراضات جاری در سودان و دیگر کشورهای شمال افریقا همچون الجزایر پس از آن آغاز شد که موسسه تحقیقاتی بگین-سادات از در پیش بودن موج دوم بهار عربی خبر داد. این به هیچ وجه به مفهوم نادیده گرفتن نقش مردم در این خیزش ها و یا نادیده گرفتن عوامل داخلی اعتراضات از جمله ناکارآمدی دولت های حاکم در پاسخ به مطالبات مردمی و یا شکاف های اقتصادی و اجتماعی داخلی و همچنین بروز و شیوع فساد در این کشورها نیست بلکه تأکید بر این واقعیت است که رژیم صهیونیستی با همدستی راستگرایان حاکم بر دولت ترامپ و با مشارکت برخی از کشورهای عربی به بهره برداری از این اعتراضات برای باج گیری از دولت های حاکم و یا تسویه حساب با آنها در صورت مقاومت در برابر باج گیری ها پرداخته اند و وضعیتی را در کشورهای انقلاب زده رقم می‌زنند که نه تنها هیچ چشم انداز روشن و امیدوارکننده را پیش روی معترضان قرار نمی‌دهد بلکه حتی وضعیت را نسبت به قبل برای آنها بدتر می‌کند و این واقعیت تلخی است که در جای جای کشورهای آشوب زده مشاهده می‌شود.

نویسنده: احمد کاظم زاده

جهانی سازی، پایان تاریخ و مهدویت

رحیم پور ازغدی

جهانی شدن مهدوی یعنی امنیت برای همه، امنیت برای دخترهای آفریقا، مکزیک، غنا و افغانستان، نه فقط برای دختران سرمایه داران نیویورک.

تعابیر بسیار بلندی از همه انبیا، از ازل تا خاتم(ص) راجع به حضرت حجت(ع) رسیده و تقریباً جزء اجتماعی ترین موضوعات، بین همه ادیان الهی و ابراهیمی، بشارت موعود و وعده منجی است و همه گفته اند که کار نیمه تمام و نا تمام انبیا(ع) و ادیان، به دست این مرد بزرگ، کامل خواهد شد. گفته اند که بزرگ ترین تکلیف تاریخ، کار بزرگ ترین مرد تاریخ است. حتی مکاتبی که الوهیت زدایی و الهیت زدایی شده اند باز به نوعی و به نحوی به این مسئله اندیشیده اند، و گر چه نام ایشان را نبرده اند، اما همه ظهور ایشان را بشارت داده اند و حتی مکاتب الحادی چون مارکسیسم نتوانسته اند به مسئله آخرالزمان، بی تفاوت بمانند.

بودیزم، مسیحیت و یهودیت نیز که غالب بشریت را زیر پوشش گرفته اند، در این خصوص، اعلام نظر کرده اند. یهود، هنوز منتظر مسیح(ع) است و مسیحیت، منتظر ظهور مجدد مسیح(ع) است. همه انبیا، همه مذاهب و ادیان و فرق، منتظر گشایشی بزرگ در آینده یا در پایان تاریخ هستند و اشاره خواهیم کرد که حتی امروز مکتبی که چند دهه برای نفی پایان تاریخ و نفی «غایت» از تاریخ، دست و پا زد و مدعی شد که تاریخ بشر، منتهای روشن ندارد و جهت اصولی خاصی بر آن حاکم نیست، یعنی «لیبرالیزم» که در واقع پنجاه، شصت سال ثوروی بافت که تاریخ غایت نداشته و ندارد؛ آخرین نظریه پردازانشان چون فوکویاما از «پایان تاریخ» سخن می گویند، منتها «پایان تاریخ» به روایت خودشان که تثبیت و تبلیغ نظام لیبرال سرمایه داری است.

در روایات از حضرت مهدی(عج)، به «بهار روزگاران» تعبیر شده است و در سلام هایی که به محضر حضرت عرض می شود آورده اند: «السلام علی ربیع الانام و نضرۃ الایام» درود بر بهار بشریت، بهاران تاریخ و طراوت روزگاران.

کسانی که ایشان را دیده اند؛ توصیفاتی از شمایل ظاهری ایشان کرده اند پیامبر اکرم(ص) و ائمه(ع) نیز این بزرگوار را توصیف کرده اند و در آثار محققان، چنین منعکس شده است: چهره اش گندمگون، ابروانش هلالی و کشیده، چشمانش سیاه، درشت، جذاب و نافذ، شانه اش پهن، دندان هایش براق، بینی کشیده و زیبا، پیشانی بلند و تابنده، استخوان بندی او صخره سان، گونه هایش کم گوشت و از فرط بیداری شب ها، اندکی متمایل به زردی، بر گونه راستش خالی سیاه، عضلاتش پیچیده و محکم، موی سرش بر لاله گوش ها ریخته و نزدیک به شانه ها، اندامش متناسب و زیبا، قیافه اش خوش منظر و رخسارش در هاله ای از شرم بزرگوارانه و شکوهمند پنهان، هیأتش سرشار از حشمت و شکوه رهبری، نگاهش دگرگون کننده و فریادش همه گیر و دریاسان است.

من در بخش نخست عرایضم، دو نظریه در زمینه تاریخ انسان و دو تفسیر درباره فلسفه حیات و مدنیت را به مقایسه می گذارم تا ببینیم کدامیک از آنها با «مهدویت» سازگار است و کدام نیست و چرا؟ و در بخش دوم، بعضی روایاتی راجع به ایشان یا منقول از خود ایشان در این خصوص که ایشان چه جامعه ای را بنا خواهند کرد و چه حکومتی را خواهند ساخت و مناسبات انسانی و البته حقوق بشر در حکومت ایشان چگونه تعریف خواهد شد؛ عرض می نمایم و البته هر یک از این روایات، خود می تواند موضوع یک کنفرانس علمی یا پایان نامه باشد.

گفته اند که «انتظار» سنتز تضاد بین «واقعیت» و «حقیقت» است. «واقعیت» یعنی آنچه هست و «حقیقت» یعنی آنچه نیست ولی باید باشد. گفته اند که انتظار، سنتزی ناشی از تضاد بین واقعیت و حقیقت است، کوبیدن جاده «آنچه هست» تا «آنچه باید باشد». پس نکته نخست این است که دو زاویه دید برای تفسیر تاریخ بشر امروز

وجود دارد: نخست، آنچه از آن، تعبیر به اصل «مسیانیزم» یعنی مسیحی گرایی و موعودگرایی کرده اند و در اینجا، «مسیح» به معنی موعود است و مسیانیزم، دعوت به انتظار است. انتظار برای ظهور موعود و اعتراض به وضع موجود در سطح بشری که توأم است با وعده پیروزی قاطع حق و عدل در پایان تاریخ و از آن نیز به اصل «فتوریزم» تعبیر کرده اند. «فتوریزم» «آینده نگری» و نگاه به آینده است؛ ایدئولوژی ای معطوف به فردا که می گوید همه خبرها در آینده است؛ جهان هنوز تمام نشده؛ محرومان مایوس نباشند؛ مبارزان و مجاهدان راه آزادی و عدالت و آگاهی، از مبارزاتشان پشیمان نشوند. آنها که بارها در نهضت جهانی «اجرای عدالت» شکست خورده اند نگویند که همه چیز تمام شد. به آینده نگاه کنید. سرتان را بالا بگیرید. شهید دادید؛ صدمات خوردید؛ ضایعاتی دادید؛ در بعضی از جبهه ها عقب نشستید؛ اما سرتان را بالا بگیرید. «فتوریزم» یعنی چشم هایتان را قاطعانه و امیدوارانه به آینده بدوزید و از پس غروب امروز، طلوع فردا را تصور کنید و با تصور آن، مبهتج بشوید. این ایده ای برای اغوای افکار عمومی نیست. همچنین بر خلاف آنچه بعضی جناح های پراگماتیست گفته اند که امام زمان(ع) اگر هم وجود نداشته باشد اعتقاد به او مفید است، باید گفت: نه، امام زمان(ع) هم حقیقت است و هم اعتقاد به او مفید است. هم حقیقت دارد و هم فایده. آنها که می توانند حقیقت مهدویت را بفهمند و باور کنند و درگیر دگماتیزم تجربه گرایی و جزمیات عالم حس هستند و حاضر نشده اند از پنجره ای که به دست انبیا(ع) به فراسوی عالم ماده و ماورای طبیعت، باز شده به بیرون نگاه کنند، ممکن است پدیده امام زمان(ع) را فاقد حقیقت و حداکثر، مفید فایده بدانند. در حالیکه واقعیت امر، این است که قصه امام زمان(ع) اسطوره نیست و نباید متهم به نگاه اساطیری مذهبی شود. در قصه امام زمان(ع) «حقیقت» و «فایده» هر دو توأم با یکدیگرند.

پس یک خط در نگاه به آینده انسان و نگاه به تاریخ است که در غرب، از آن تعبیر به «مسیانیزم و فتوریزم» کردند و آن را با همین کوبیدند، چون تاریخ، زنده است، فعال است و از طرف یک موجود ذی شعور، هدایت می شود و عاقبت بشر به منجلاب، ختم نخواهد شد و به تاریخ بشر، خوش بین و معتقد است که از پس همه ستم ها و بی عدالتی ها و دروغ هایی که به بشر گفته اند و می گویند، خورشید «حقیقت و عدالت»، طلوع خواهد کرد و خدا، انسان را به ستمگران تاریخ، وا نخواهد گذارد؛ اما متقابلاً خط دومی وجود دارد که از طرف تفکر لیبرال و سرمایه داری و هژمونی غرب، امروز در دنیا به آکادمی ها و دانشگاه ها پمپاژ می شود و در سطح افکار عمومی دنیا، به زور تبلیغات، القا می شود و آن نفی ایده «غایت تاریخ» است.

وقتی می گوئیم «غرب»، مردم مغرب زمین، مراد نیستند. مردم مغرب زمین، آنها که مذهبی و مسیحی اند به «موعود»، معتقدند و علی رغم همه بمباران هایی که علیه فطرت آنان اعمال شده – و لو یک قشر اقلیت در غرب، در امریکا و اروپا هستند – ولی هنوز لطافت باطنی خود را حفظ کرده اند. من به یاد می آورم که با بعضی دوستان در واشنگتن، برای دیدار از کلیسایی رفتیم که بسیار معظم و قدیمی بود و تقریباً حالت موزه داشت و شامل هفت کلیسای تو در تو بود. در سالن کلیسا یک دختر دانشجوی امریکایی را دیدم که ایستاده بود و نی می نواخت. صبح یکشنبه بود. جلو رفتم و از او پرسیدم که تو را چه می شود؟ گفت: نذر کرده ام که در انتظار موعود و به عشق او هر صبح یکشنبه، تا زنده ام، بر در کلیسا، نی بزنم. این جامعه ای است که معنویت، انسانیت و عدالت را در آن، شبانه روز بمباران می کنند با این وجود، از پس فطرت آن دختر جوان مذهبی دانشجو، در قلب واشنگتن برنمی آیند. پس وقتی از غرب، سخن می گویم، منظور من، مردم عادی، نا آگاه و ساده مغرب زمین، به خصوص محرومان که حتی فاسدانشان نیز به نحوی مظلوم و قربانی هستند، نیست. مراد «هژمونی سرمایه داری لیبرال» و حاکمیت هسته های سرمایه داری یهود است که امروزه بر امریکا و از طریق امریکا بر دنیا حکومت می کنند، همان ها که در انتخابات

اخیر که مملو از تقلب بود برای انتخاب یکی از این دو نفر، که هر دو هم حافظ منافع آن هسته سرمایه داری هستند، خرج مغز شویی افکار عمومی کردند و همه این میلیاردها دالر از پول همین شرکت ها در واقع، سرمایه گذاری ارباب واقعی غرب و دنیای امروز است و سیستم برده داری مدرن را همچنان رهبری می کنند و محافظه کارترین هسته قدرت در طول تاریخ بشر، همین هسته تفکر لیبرال است که امریکا و غرب را رهبری می کند. حال چرا محافظه کار هستند؟ زیرا وضع موجود در دنیا باید به نفع آنان حفظ بشود. این وضع چگونه حفظ شود؟ ابتدا باید بباورانند که وضع موجود در جهان و اتفاقی که در دهه های اخیر در دنیا افتاده و ایدئولوژی لیبرالیزم در ذیل منافع سرمایه داری جهانی و صهیونیزم، معادله قدرت و ثروت را تعریف می کند، عین عقلانیت است و همه هم باید باور کنند و به ما بباورانند که اتفاقی که اسم آن را مدرنیته می گذارند، آخر خط تاریخ است.

می خواهند بگویند که هیچ مدینه فاضله ای برتر و پیشروتر از وضع کنونی در جامعه جهانی که ما آن را رهبری می کنیم، نه فقط وجود خارجی ندارد، بلکه حتی وجود ذهنی هم نمی تواند داشته باشد. پوپر در مصاحبه اش با اشپیگل، چند سال پیش از مرگش گفت «امروز مدینه فاضله در کل تاریخ بشر، جامعه ایالات متحده است». مصاحبه گر از او پرسید در جامعه ای که هر هشت ثانیه، یک قتل و هر نه ثانیه، یک تجاوز جنسی صورت می گیرد و جامعه ای که بزرگ ترین منبع درآمدش مواد مخدر و سلاح های کشتار جمعی هسته ای، شیمیایی و میکروبی است؛ چگونه مدینه فاضله و پایان تاریخ است؟ او پاسخ می دهد که اصل ضرورت فکر کردن به «مدینه فاضله» دروغ بزرگی بوده که به ما گفته اند. هیچ مدینه فاضله ای در انتهای تاریخ وجود ندارد و نباید به آن فکر کرد و این فکری انحرافی در ذهن بشر و باوری اساطیری است، یا فوکویاما، نظریه پرداز سرمایه داری امریکا، گفت: اگر تاریخ پایانی هم دارد پایان آن، همین جامعه فعلی ایالات متحده امریکاست. این تفکر «محافظه کاری» است.

«کنسرواتیوزم» (محافظه کاری) دفاع از وضع موجود جهانی و دفاع از هرم قدرتی است که هم اکنون بر دنیا حکومت می کند و در رأس آن سرمایه دارها هستند و همه ملل دیگر، ملت های شرق، جنوب و همه، قاعده این هرم و بردگانی هستند که رأس هرم قدرت را بر دوش خود باید بکشند. امروزه ثروت در دنیا چگونه تقسیم شده است؟ چند درصد بشریت، چند درصد ثروت و زمین را در دست دارند و این آمار مبین چیست؟ و اگر کسی بگوید این وضع، باز ادامه پیداکنند، به چه معنی است؟

در روایت آمده است که امام زمان(ع) فاصله های طبقاتی را در سطح جوامع بشری بر هم خواهند زد. در روایت داریم که در زمان مهدی ما، هیچ انسان گرسنه ای در سراسر زمین پیدا نخواهد شد. این آن مهدویتی است که ما به آن معتقدیم و همه ادیان به آن معتقدند، ولی هیچ کس به اندازه شیعه، راجع به آن جامعه آخرالزمان و انقلاب بزرگ، شفاف سخن نگفته است. و شاید دیگران، آگاهی شفاهی از وضعیت نداشته اند. شیعه حتی نام مقدس آن رهبر انقلاب جهانی را نیز می داند، روش حکومت او را توصیف کرده است و شاید در هیچ مکتب دیگری چنین نباشد. شما در اپانیشادها، در وداها، در انجیل، در تورات و در همه منابع شرق و غرب، بشارت آخرالزمان را می بینید، ولی هیچ جا به اندازه منابع شیعه، شفاف و دقیق راجع به ایشان، حتی قیافه، حرف ها، شعارها و نحوه انقلاب و حاکمیتش بحث نشده است. هدف عمده نظام لیبرال سرمایه داری که می گوید ما با «مدینه فاضله» سازی و مسیانیزم، با بنیادگرایی دینی، با رادیکالیزم انقلابی، با فوندامنتالیزم (بنیادگرایی) و با ایدئولوژی، مخالفیم. و با هر نوع اصول گرایی، حتی غیر دینی آن مبارزه می کند، این است که در افکار عمومی بشر، به خصوص در دانشگاه های شرقی و اسلامی، در ذهن دانشجو و سپس در ذهن مردم، حالت تردید در وضع موجود و حالت متوقع و منتظره، پیش نیاید که عجب! پس مدرنیته سرمایه داری، آخر خط نیست؟ و باید منتظر بود؟

این پرسش نباید در افکار عمومی و خصوصی بشریت، جوانه بزند! آنها می خواهند بگویند که هیچ چیزی دیگر فراتر از این وضع موجود جهان نیست و آنچه هست، عین علم و عقلانیت و آخر خط و پایان تاریخ است. می گویند اینجا ایستگاه آخر است و بشریت باید از قطار پایین بیاید. توجه داشته باشید نمی گویند که همه بشریت در سطح ما زندگی کنند و امکانات مردم امریکا را در اختیار داشته باشند. که اگر بگویند، باید دست از ستم و نابرابریها بردارند. چون اگر معنی «جهانی شدن» این باشد که توزیع ثروت، قدرت، آگاهی و حرمت و احترام در تمام جهان، یکسان باشد، مورد قبول است، اما «جهانی شدن» که آنان می طلبند به معنی «امریکایی شدن» است؛ جهانی شدن از نوعی که در رأسش، سرمایه داران حاکم بر امریکا باشند و بقیه بشریت، قاعده آن هرم باشند.

جهانی شدن «گلوبالیزیشن» غربی، توجیه ستم غربی بر جهان است. اینان با «جهانی شدن مهدوی» مخالف اند و به جهانی شدن سرمایه داری امریکا فراخوان می کنند. اگر جهانی شدن، عبارت باشد از جهانی کردن آمریت امریکا و منافع سرمایه داری حاکم بر امریکا، صهیونیزم و انگلیس، این جهانی شدن فقط به نفع آنهاست و همان را ترویج می کنند، این «جهانی شدن» همه فرهنگ ها و ایدئولوژی های مقاومت را می بلعد و هضم می کند، اما اگر بگوئیم که ما جهانی شدن را قبول داریم، اما نه با معیارهای سرمایه داری یهود، بلکه با معیارهای امام مهدی(ع) که می گوید در تمام دنیا هیچ انسان گرسنه ای نباید باشد و نباید در گوشه افریقا بچه های یازده ساله وزنشان به اندازه بچه های ششماهه واشنگتن و نیویورک باشد و نباید استخوان دنده ها و پهلوهایشان پوست آنها را بشکافد و از زیر پوستشان بیرون بزند، آنها این جهانی شدن مهدوی یعنی عدالت جهانی را پس می زنند و آن را توهم و یوتوپیا می دانند، چون امام مهدی(ع) امنیت را برای همه – نه فقط برای سرمایه دارهای غرب – می خواهد. روایت داریم که در زمان حکومت جهانی امام مهدی(ع) امنیت بدان حد بر جهان، حاکم می شود که یک دختر نوجوان بدون کمترین توهین و تهدیدی به تنهایی از این سوی عالم به آن سوی خواهد رفت. این در روایات ماست. جهانی شدن مهدوی یعنی امنیت برای همه، امنیت برای دخترهای آفریقا، مکزیک، غنا و افغانستان، نه فقط برای دختران سرمایه داران نیویورک. اما تفکر جهانی شدن از آن نوع که لیبرال سرمایه داری می گوید و می خواهد، در واقع عین «محافظه کاری» است، لذا این در مقیاس جهانی، با اصول گرایی، با مدینه فاضله سازی، با ایدئولوژی و حاکمیت ارزش ها مخالف اند و می گویند که ارزش ها اصولاً مفاهیم غیر علمی و مقولات غیرعقلانی اند و لذا مسائلی شخصی بلکه جزو وسایل شخصی اند و ارزش ها، شخصی و نسبی است پس ربطی به حکومت و امر عمومی ندارد و سکولاریزم همین است.

خط تبلیغاتی آنان، این است که سخن گفتن از مهدویت و جهانی شدن و وعده عدالت جهانی، خیالبافی است و ممکن نیست. در بحث های دانشگاهی شان همین را عنوان می کنند تا تز کنسرواتیستی را جهانی کنند و نیز می گویند این ایده، اساساً ایدئولوژیک، توتالیتر و تمامیت طلب است و یعنی چه که یک نفر به نام مهدی(ع) می خواهد بر کل دنیا حکومت واحد برقرار کند!؟

چون در روایت داریم مهدی(ع)، با برهان و شمشیر، از راه انقلاب جهانی به حاکمیت و عدالت جهانی دست خواهد یافت. ایشان با مسیحیان به وسیله انجیل حقیقی و با یهودیان به تورات حقیقی احتجاج و استدلال می کند و برای هیچ کس، عذر و بهانه ای نمی گذارد و اغلب مردم با منطق و برهان و موعظه و رحمت، متقاعد می شوند و آنها که لجاجت می کنند با شمشیر، اصلاح خواهند شد و بشریت دیگر جز مسلمان نخواهند بود.

انتهای مطلب

الهان عمر: از سوی دولت ترامپ تهدید می شویم

عنوان داشت: یادبود واقعه ۱۱ سپتامبر یک زمینه مقدس دارد و هر گونه بحثی در مورد آن باید همراه با احترام باشد، رئیس جمهور نباید از یک عکس درآورد ۱۱ سپتامبر برای حمله سیاسی استفاده کند.

ترامپ در توئیتر خود ویدئویی را بازنشر کرده که حاوی سخنان الهان عمر درباره حملات ۱۱ سپتامبر با تصاویر مرکز تجارت جهانی است و روی آن عبارت «ما هرگز فراموش نخواهیم کرد» افزوده شده است.

در روزهای گذشته نیز دمکرات‌ها، ترامپ را به تحریک به خشونت علیه خانم عمر، یکی از دو نماینده زن مسلمان کنگره متهم کرده‌اند. برای مثال سناتور «برنی سندرز» که برای انتخابات ۲۰۲۰ نامزد شده، ترامپ را به حملات خطرناک و منزجرکننده علیه الهان عمر متهم کرده است.

سناتور «لیزابت وارن» هم از حملات ترامپ به خانم عمر انتقاد کرده است.

«الکساندریا اکاسیو کورتز» دیگر نماینده جدید کنگره آمریکا هم حملات ترامپ به الهان عمر را خطرناک خوانده است.

الهان عمر در ماه‌های گذشته نیز اظهاراتی را علیه رژیم صهیونیستی و لابی قدرتمند آن در آمریکا (آیپک) ایراد کرده و برخی از نمایندگان کنگره را متهم به دریافت پول از صهیونیست‌ها کرده بود که این اظهارات وی نیز با واکنش تند ترامپ مواجه شده بود.

انتهای مطلب

مورد تهدید قرار می‌گیرند. ما از سوی دولت تهدید می‌شویم دولتی که به جای انجام اصلاحات جامع در خصوص مهاجرت، کودکان مهاجران را در قفس می‌اندازد.

یادآور می‌شود به موجب سیاست‌های مهاجرتی دولت ترامپ، خانواده‌هایی که بصورت غیر قانونی به آمریکا مهاجرت می‌کنند، مأموران مرزی آمریکا اقدام به جدا کردن افراد خانواده از یکدیگر و نگهداری کودکان در قفس می‌کنند. انتشار تصاویری در این رابطه در ماه‌های گذشته انتقادات فراوانی را متوجه دولت آمریکا کرده بود.

الهان عمر از زمان ورود به کنگره به دلیل اظهار نظرهای خود با خشم «دونالد ترامپ» مواجه شده که بارزترین موارد موجود در این رابطه اظهار نظر الهان در خصوص لابی آیپک و اقدام ترامپ در انتشار پیامی ویدئویی در خصوص حوادث ۱۱ سپتامبر با اشاره به صحبت‌های الهان عمر بوده است.

این اقدام ترامپ با واکنش تند دمکرات‌های آمریکا مواجه شده است. دفاع شخصیت‌های اصلی حزب دمکرات آمریکا از نماینده مسلمان کنگره این کشور در برابر «دونالد ترامپ» همچنان ادامه دارد.

حمله «پلوسی» به ترامپ در دفاع از «الهان عمر»

به نقل از رویترز، «نانسی پلوسی» رئیس مجلس نمایندگان آمریکا، نیز به صف حامیان «الهان عمر» نماینده مسلمان و محجبه کنگره آمریکا، در برابر «دونالد ترامپ» رئیس جمهور ایالات متحده پیوست.

پلوسی در دفاع از الهان عمر با انتشار پیامی در توئیتر



خود که در توئیتر منتشر شده آورده است: این کشور بر اساس ایده‌هایی همچون عدالت و آزادی و بهره مند شدن از شادی‌ها بنا نهاده شده اما این اعتقادات اساسی هر روزه

نماینده مسلمان و محجبه کنگره آمریکا با انتشار پیامی سیاست‌های دولت دونالد ترامپ را به باد انتقاد گرفت.

«الهان عمر» عضو مسلمان مجلس نمایندگان آمریکا در پیام

اطلاعاتی تایید نشده از محل اختفای ابوبکر بغدادی پس از گریختن از سوریه

نمی‌توان گفت که به الانبار فرار کرده باشد. الکوعد تاکید کرد: ما اطلاعاتی داریم مبنی بر اینکه مرزهای عراق از سوی نیروهای ارتش، حشد شعبی و نیروهای گارد مرزی امن هستند و به هیچ تروویستی اجازه عبور از خاک سوریه به عراق داده نمی‌شود.

رئیس کمیته امنیتی در شورای ولایتی الانبار حرف‌های خود را این گونه تکمیل کرد، اما ممکن است برخی نفوذ تروریست‌ها از خاک سوریه به عراق از طریق شکاف‌ها و نقاط ضعیف مرزی رخ دهند. داعش برخی مناطق را در صحرای الانبار در دست دارد اما شهرهای الانبار کاملاً آزاد شده‌اند و وضعیت امنیتی در ایالت ویژه است.

انتهای مطلب



شماره تماس عراقی، امریکایی و اروپایی نبود.

وی درباره انتخاب رمادی برای ریختن این اعلامیه‌ها گفت، بعد از آزادسازی آخرین مقر داعش در خاک سوریه انتظار می‌رود بغدادی به سمت عراق گریخته باشد اما دقیقاً

این درحالی است که یک هواپیمای ناشناس ماه آپریل اعلامیه‌هایی را در مرکز ایالت الانبار ریخت تا مکان رهبر داعش را بیابد.

این اعلامیه‌ها که از سوی طرف‌های رسمی صادر نشده بود جایزه‌ای ۲۵ میلیون دلاری برای کسانی تعیین کرده که از محل اختفای سرکرده داعش اطلاعاتی بدهند.

نعیم الکوعد، رئیس کمیته امنیتی در شورای ولایتی الانبار نیز پنج‌شنبه گفت: هواپیمایی ناشناس این اعلامیه‌ها را در شهر رمادی مرکز الانبار ریخت.

الکوعد تاکید کرد: این اعلامیه‌ها را که نمی‌دانیم چه کسی پخش کرده شامل شماره تماسی بود تا هرگونه اطلاعاتی درباره محل اختفای بغدادی را به آنها اطلاع دهند. این

یک مسؤول عراقی از محل اختفای ابوبکر بغدادی سرکرده داعش بعد از گریختن از خاک سوریه در پی شکست این گروه در شرق فرات خبر داد.

عید عماش الکربولی، عضو شورای ولایتی الانبار به خبرگزاری اسپوتنیک گفت، براساس داده‌های سازمان اطلاعات عراق ابوبکر بغدادی در صحرای الانبار در غرب کشور مخفی شده است.

وی تصریح کرد: این اطلاعات شاید دقیق باشند و شاید هم نه اما زمانی که بغدادی در خاک سوریه محاصره می‌شود به مکانی امن برای خودش و نیروهایش می‌گریزد که صحرای الانبار نزدیک‌ترین گزینه برای او به دلیل هم‌جواری‌اش با مرزهای سوریه است.

عربستان، امارات و بحرین از شورای انتقالی سودان حمایت کردند

موجب برقراری امنیت و ثبات در سودان شود. امارات در این بیانیه از تمامی گروه‌های سیاسی و نهادهای نظامی این کشور خواست از نهادهای قانونی حفاظت کرده و به دنبال انتقال مسالمت‌آمیز قدرت و تضمین آینده‌ای بهتر برای سودانی‌ها و نیز حفظ وحدت ملی در این کشور باشند.

از سوی دیگر، پادشاه بحرین بر همبستگی کشورش با ملت سودان و ایستادگی در کنار شورای نظامی انتقالی جهت تحکیم امنیت و صلح در سودان تاکید کرد.

انتهای مطلب

عربستان دستور ارائه کمک‌های بشردوستانه شامل دارو، فرآورده‌های نفتی و گندم به سودان را صادر کرده است.

در همین حال، وزارت خارجه امارات نیز در بیانیه‌ای حمایت خود از عبدالفتاح برهان، رئیس شورای نظامی انتقالی سودان را اعلام کرده و انتصاب او و تشکیل شورای نظامی انتقالی را "اقدامی در راستای عمل به خواسته‌های سودانی‌ها" دانست.

در این بیانیه تاکید شد: ابوظبی با دقت بسیار تحولات سودان را دنبال می‌کند و به توانمندی سودانی‌ها و ارتش ملی این کشور در حل چالش‌ها اطمینان دارد.

امارات ابراز امیدواری کرد که اقدامات شورای نظامی انتقالی

پس از ریاض حمایت خود را از این شورا اعلام کرد. بحرین نیز بر ایستادگی خود در کنار شورای نظامی انتقالی تاکید کرد.

به نقل از خبرگزاری رسمی عربستان سعودی (واس)، ریاض در اولین واکنش رسمی از زمان عزل عمر البشیر، رئیس جمهور سابق سودان ضمن اعلام حمایت خود از اقدامات شورای نظامی انتقالی در سودان تاکید کرد، "در کنار مردم سودان است".

همچنین ریاض از سودانی‌ها خواست منافع ملی را در اولویت قرار دهند.

خبرگزاری واس گزارش داد، سلمان بن عبدالعزيز، پادشاه



عربستان ضمن اعلام حمایت از اقدامات شورای نظامی انتقالی در سودان، ارسال کمک‌های بشردوستانه‌ای برای سودانی‌ها را در دستور کار خود قرار داده است. امارات نیز